

بررسی ترجمه‌های اصطلاحات خاص فرهنگی در ترجمه‌های انگلیسی قرآن کریم

ابوالفضل سنجرانی^۱: دانشجوی دکتری ترجمه، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
نازنین قدرت: دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار.

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم
سال دوازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۸۴-۶۹
تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۲۸
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۱۰

چکیده

رشته مطالعات ترجمه، رشته دانشگاهی در حال پیشرفت است که به نظریه‌ها و عمل ترجمه مربوط است. اهمیت این موضوع آن‌چنان است که موجب راحتی ارتباطات گشته و افزون بر آن در همه جوانب زندگی انسان تأثیرگذار است. ترجمه عناوینی که مربوط به فرهنگ منحصر به فرد قرآن و اسلام است، اغلب با مشکلات ترجمه‌ای روبرو هستند. در این مقاله تلاش شده با به‌کارگیری چهارچوب نظری مدل بیکر (۱۹۹۲) برای ترجمه اصطلاحات خاص قرآن، راهبردهایی را که مترجمان قرآن مانند پیکتال، شاکر، یوسف علی، آربری و خانم صفارزاده برای ترجمه این اصطلاحات به کار برده‌اند استخراج گردد. نتایج به‌دست آمده به شرح زیر است: پرسامدترین راهبرد در ترجمه اصطلاحات خاص فرهنگی قرآن «راهبرد ترجمه با استفاده از یک واژه عام» توسط همه مترجمان بود و کم‌بسامدترین راهبرد هم، راهبرد «ترجمه با دگر نویسی با استفاده از واژه نامرتبط» بود. بسامد راهبردهای «ترجمه با حذف» و «ترجمه با شکل» نیز صفر بود؛ یعنی مترجمان از این راهبردها استفاده نکردند. بسیاری از واژه‌های خاص فرهنگی قرآن با واژه‌های عام ترجمه شده‌اند و واژه‌های خاص فرهنگی قرآن محسوب نمی‌شوند.

کلیدواژه‌ها: قرآن مجید، فرهنگ، اصطلاحات خاص فرهنگی، راهبردهای ترجمه، مطالعات ترجمه



۱. مقدمه

مهارت و حرفه ترجمه، یکی از حیاتی‌ترین شغل‌ها در جامعه مدرن است. به دلیل اینکه جوامع بشری بر اساس اشتراک‌گذاری اطلاعات و پیشرفت‌های ارتباطی در حال نزدیک شدن به هم هستند، لذا نیاز مبرم و همیشگی به ترجمه از یک زبان به زبان دیگر نیازی طبیعی است. در طول تاریخ، نقش ترجمه چنان برای انسان حیاتی بوده است که بدون ترجمه، ارتباط میان انسان‌ها میسر نبوده است. ترجمه دیگر صرفاً ترجمه واژه‌ها نیست، بلکه تبدیل به انتقال معنی و نیت‌ها شده است. همان‌طور که میرعمادی بیان می‌کند: ترجمه یک فرآیند دوطرفه از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر و از فرهنگ دیگر به فرهنگ خودمان است. به عبارت دیگر، ترجمه یک فرآیند تعاملی و دوسویه است (Miremadi, 1993, p.11). آنتونی پیم^۱ (۲۰۰۰) هم بیان می‌کند که: «یک حقیقت ساده درباره ترجمه این است که در ترجمه، حداقل دو فرهنگ مفروض است. برای فهمیدن ترجمه باید سریعاً سراغ این برویم که چگونه فرهنگ‌ها با یکدیگر تعامل دارند» (as cited in Baker 2009, p.21). بنابراین با در نظر گرفتن جنبه فرهنگی هر زبان، مترجم باید به عناصر فرهنگی دوزبانی که می‌خواهد ترجمه انجام دهد توجه کافی داشته باشد. اویر^۲ (۱۹۷۵) معتقد است که: «مترجم باید درباره موضوعی که می‌خواهد ترجمه کند اطلاعات کافی داشته باشد. باید دانش کافی در زمینه فرهنگ زبانی که می‌خواهد از آن ترجمه کند و فرهنگ زبانی که می‌خواهد به آن ترجمه کند داشته باشد» (as cited in Larson, 1998, p.470). مری اسنل - هورنبری^۳ (as cited in Bassenet & Lefevre, 1990)، به سخن ورمیر^۴ (۱۹۸۶) اشاره می‌کند که با این ایده که ترجمه صرفاً مربوط به زبان است مخالفت می‌کند. از نظر او ترجمه یک انتقال بین فرهنگی است و مترجم باید حداقل با دو فرهنگ و یا با چند فرهنگ آشنایی داشته باشد. کارمانیان^۵ (۲۰۰۳) هم در مقاله‌ای تحت عنوان «ترجمه و فرهنگ» بیان می‌کند که: «ترجمه؛ شامل انتقال اندیشه‌های زبانی یک گروه اجتماعی با اصطلاحات مناسب گروه دیگر است و شامل فرآیند رمزگشایی و رمزگذاری مجدد و رمزخوانی است».

1. Antony Pym
2. Ivir
3. Mary Snell-Hornby
4. Vermeer
5. Karamanian

در هر زبانی نوشته‌هایی وجود دارد که در آن‌ها اصطلاحاتی را پیدا می‌کنید که مختص فرهنگ همان زبان است. زبان قرآن نیز حاوی چنین اصطلاحاتی است. زبان قرآن که عربی است برای معرفی اسلام فرستاده شده است. بنابراین حاوی اصطلاحاتی است که مختص فرهنگ اسلامی است. این اصطلاحات را در این مقاله «اصطلاحات خاص فرهنگی قرآن» می‌نامیم. این اصطلاحات در فرهنگ‌های دیگر وجود ندارد که باعث ایجاد سختی‌هایی در فرآیند ترجمه می‌شوند. چون زبان قرآن، عربی است و پراز مفاهیم اسلامی است که برای غیرمسلمانان آشنا نیست و برای اینکه سایر افراد که دنبال حقیقت هستند، بتوانند پیام خدا را خوانده و فهم کنند، ضروری است که قرآن به سایر زبان‌ها ترجمه شود.

بسیاری از مترجمان با جهان‌بینی‌های متفاوت، قرآن را به سایر زبان‌های دنیا ترجمه کرده‌اند. آن‌ها از راهبردهای متفاوتی برای ترجمه اصطلاحات خاص فرهنگی قرآن استفاده کرده‌اند. هدف این مقاله هم تعیین راهبردهای به کاررفته و بسامد آن‌ها در ترجمه اصطلاحات خاص قرآن فرهنگی قرآن توسط مترجمان با جهان‌بینی‌های متفاوت است.

۲. پیشینه تحقیق

۲-۱. فرهنگ

درباره مفهوم فرهنگ دیدگاه‌ها و تعاریف زیادی وجود دارد. یکی از قدیمی‌ترین نقل قول‌ها درباره تعریف فرهنگ مربوط به تیلور (۱۸۷۱) است که فرهنگ را این چنین تعریف می‌کند: «فرهنگ به مثابه یک مجموعه است که شامل دانش، عقاید، هنر، اخلاقیات، قوانین، عادات‌ها و سایر ظرفیت‌ها و عادت‌واره‌هایی می‌شود که یک انسان به‌عنوان عضوی از جامعه به دست می‌آورد» (تیلور، ص ۱۶).

بنابراین همان‌طور که ملاحظه خواهیم کرد، در تعاریف بسیاری از صاحب‌نظران، فرهنگ شامل تمامی جنبه‌های زندگی افراد جامعه می‌شود. نیومارک (۱۹۸۸) زندگی و سبک زندگی را نیز در تعریف فرهنگ می‌آورد. او معتقد است: «سبک زندگی با همه جزئیاتش که مختص هر جامعه‌ای است که زبان خاص خود را برای بیان مفاهیم استفاده می‌کند جزو فرهنگ آن جامعه است» (ص ۹۴). ماریک دی موج^۱ (۱۹۴۳) که مقالات زیادی در زمینه مطالعات فرهنگی دارد بر این باور است که: «فرهنگ مانند چسبی است که گروه‌ها را در کنار یکدیگر نگه می‌دارد. بدون الگوهای فرهنگی، مردم نمی‌توانند کنار یکدیگر زندگی کنند.

فرهنگ آن چیزی است که جامعه انسانی، افراد آن و سازمان‌های اجتماعی را تعریف می‌کند. افراد محصول فرهنگ‌شان هستند، آن‌ها با محیط فرهنگی اجتماعی پیرامون‌شان شرطی می‌شوند و مطابق با آن رفتار می‌کنند. فرهنگ شامل محصولات گذشته است. فرهنگ شامل عقاید، هنجارها، قوانین و نگرش مشترک در بین گویندگان یک زبان خاص که در یک برهه تاریخی و در یک مکان

جغرافیایی مشترک زیسته‌اند است. این عناصر مشترک از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌شود. فرهنگ برای یک جامعه مشابه حافظه برای افراد است.»

ماریک دی موج به نقل از هوفستد^۱ (۱۹۹۱) فرهنگ را به‌عنوان «برنامه‌های جمعی ذهنی افراد در یک محیط» تعریف می‌کند. فرهنگ از ویژگی‌های فردی افراد نیست بلکه شامل افرادی می‌شود که آموزش و تجارب یکسان داشته‌اند. لارسن (۱۹۸۴) نیز «فرهنگ را به‌عنوان مجموعه‌ای از عقاید، نگرش‌ها، ارزش‌ها و قوانین می‌داند که افراد به اشتراک می‌گذارند».

الفرد کویر و کلاید کلاکسون^۲ (1952, as cited in Katan, 2004, p.46)، هم فرهنگ را به شرح زیر تعریف می‌کنند: «فرهنگ شامل الگوهای روشن و ضمنی رفتاری است که از طریق نشانه‌ها یاد گرفته شده‌اند و منتقل می‌شوند. این نشانه‌ها موفقیت‌های برجسته افراد را می‌سازند که شامل تجسم آن‌ها در اشیای مصنوع است. هسته ضروری فرهنگ شامل ایده‌های سنتی و ارزش‌های منتسب به آن‌ها است. نظام‌های فرهنگی از یک طرف ممکن است به‌عنوان محصول اقدامات تلقی شوند و از طرف دیگر تعیین‌کننده شرایط اقدامات آتی تلقی شوند».

در دیدگاه کاتان (۱۹۹۹، در کتاب بیکر، ۲۰۰۹، نقل شده است) تعریف فرهنگ در بافت ترجمه کتبی و شفاهی به‌عنوان «مدل دنیای مشترک» معرفی شده است. او معتقد است که: «فرهنگ همانند نظام طبقاتی عقاید، ارزش‌ها و راهبردهای مشابه و به هم مرتبط است که می‌تواند باعث اقدامات و تعاملات شود. به بافت ذهنی، وابسته است و هر جنبه از فرهنگ به نظام وابسته است تا بافت یکسان فرهنگی را شکل دهد» (ص ۷۰).

اگرچه مقوله فرهنگ برای ایون زوهر که معرف نظریه چند نظامی است، دوجهی است، ایون زوهر (۲۰۰۰) در مقاله خود دو مفهوم فرهنگ را این چنین تعریف می‌کند: «فرهنگ به‌عنوان کالا به مجموعه‌ای از کالاهای قابل ارزیابی که دارایی آن‌ها نشان‌دهنده ثروت، جایگاه و اعتبار بالا است، اشاره دارد که استفاده رسمی و روزمره از این مفهوم را نشان می‌دهد و فرهنگ به‌عنوان ابزار که به مجموعه‌ای از ابزارهای کاربردی اشاره می‌کند که برای سازمان‌دهی زندگی در سطح فردی و در سطح اجتماعی استفاده می‌شود».

طبق نظر ایون زوهر (۲۰۰۰) برخی از این «کالاهای فرهنگی» ممکن است تبدیل به «ابزارهای فرهنگی» شوند. او معتقد است که از قرن نوزدهم، بسیاری از «کالاهای فرهنگی» با ارزش تبدیل به دارایی مشترک ملت‌ها شده‌اند و در نتیجه به‌عنوان ابزاری برای تأیید اثربخشی مجموعه‌های تأسیس شده استفاده می‌شوند (ص ۳۹۴-۳۹۱).

زبان بخشی از فرهنگ است و در طرف مقابل، فرهنگ نیز به‌وسیله زبان شکل می‌گیرد. بنابراین ترجمه به‌عنوان فرآیندی که روی زبان انجام می‌شود را نمی‌توان بدون دانستن دو فرهنگ درگیر در فرآیند ترجمه و دانش زبانی آن دو زبان انجام داد (Larsen, 1984, p.43). کاری که در فرآیند ترجمه

1. Hofstede

2.. Alfred Louis Kroeber and Clyde Kluckhohn

انجام می‌شود در واقع چیزی به غیر از انتقال عناصر جدید یک فرهنگ به فرهنگ دیگر نیست و در این فرآیند انتقال، ممکن است از عناصر فرهنگ مقصد نیز استفاده شود. طبق نظر میرعمادی (۱۹۹۳) : «ترجمه، یک فرآیند دو منظوره انتقال از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر و انتقال از فرهنگ دیگر به فرهنگ خود است». به عبارت دیگر در ترجمه یک فرآیند تعاملی دوطرفه وجود دارد، بنابراین مترجم باید با هر دو فرهنگ زبان مبدأ و زبان مقصد آشنا باشد.

کارمانیان (۲۰۰۳) روابط بین این دو پدیده را این چنین بیان می‌کند: ترجمه شامل انتقال اندیشه‌های مطرح شده در یک زبان توسط یک گروه اجتماعی به اندیشه‌های مناسب در گروه دیگر است که شامل فرآیندهای رمزگشایی، رمزگذاری و رمزخوانی است. کارمانیان (۲۰۰۳) از افراد می‌خواهد که توجه ویژه‌ای به جنبه‌های فرهنگی متن مورد نظر برای ترجمه داشته باشند و توجه خود را تنها به واژگان یک متن معطوف ندارند. او نتیجه‌گیری می‌کند که در فرآیند انتقال نباید صرفاً روی مفاهیم زبان‌شناسی تمرکز نمود، بلکه باید جنبه‌های فرهنگی متن را نیز در نظر گرفت. برخلاف تفاوت در دیدگاه‌های مطرح شده، چه زبان را بخشی از فرهنگ بدانیم و چه نه، این دو عنوان اصلی نامرئی هستند. چون گفتگو درباره فرهنگ به وسیله زبان به رسمیت یافته امکان می‌یابد.

۲-۲. فرهنگ و ترجمه

علی‌رغم بحث‌ها و نظرات متفاوت صاحب‌نظران درباره رابطه بین فرهنگ و زبان، هولنگ وی (۱۹۹۹) درباره فرهنگ این چنین می‌گوید: «زبان، همانا خون جاری در شریان حیاتی فرهنگ است و فرهنگ راهی است که طی آن زبان شکل می‌گیرد و رشد می‌کند» (ص ۱۲۱). بنابراین دو اصطلاح زبان و فرهنگ جدایی ناپذیرند و طبق نظر بسنت (۱۹۸۰) این جدایی ناپذیری را باید هنگام ترجمه در نظر داشت: «زبان به سان قلبی در کالبد فرهنگ است، بقای هر دو به یکدیگر وابسته است. مفاهیم زبان‌شناسی انتقال معنی را می‌توان به عنوان بخشی از فرآیند ترجمه در نظر گرفت و تمامی ضوابط زبان‌شناسی و فرازبان‌شناسی را باید مد نظر قرار داد» (ص ۱۴-۱۳).

نیومارک (۱۹۷۷) بیان می‌کند که: «مشکلات ترجمه، فقط با پرداختن به ساختار زبانی حل نمی‌شود. بلکه باید به سابقه فرهنگی بین خواننده متن مبدأ و خواننده ترجمه توجه کافی داشت» (ص ۴۷۲).

۲-۳. ترجمه پذیری و ترجمه ناپذیری قرآن مجید

عبدالرئوف^۱ (۲۰۰۱) معتقد است که ترجمه قرآن کریم از بزرگ‌ترین دستاوردهای بشر است که منجر به فهم میان فرهنگی شده است. اگرچه ترجمه قرآن کار ظریف و بسیار مشکلی است، اما گریزی از انجام آن نیست. به عبارت دیگر محصول این فرآیند را باید تفسیر معنای قرآن کریم نامید

تا بتوان جایگزین مناسبی برای خود قرآن برای فرهنگ‌های مختلف ارائه نمود. ترجمه‌های تحت‌اللفظی قرآن کریم بر روی معنای قرآن تأثیر می‌گذارند. طبق نظر عبدالرئوف (۲۰۰۸) و اکبر^۱ (۱۹۷۸) ترجمه‌های تحت‌اللفظی قرآن کریم مانعی در برابر فهم کامل قرآن به شمار می‌روند. به دلیل وجود همین ترجمه‌های تحت‌اللفظی، تقریباً تمامی ترجمه‌های قرآن کریم نتوانسته‌اند به اندازه خود متن اصلی قرآن قلب مردم عرب‌زبان را تسخیر کنند.

با تمایز بین دو موضوع ترجمه‌پذیری و مشروعیت ترجمه، باید اشاره کنیم که از لحاظ سنتی ترجمه‌های قرآن معجید نامشروع تلقی می‌شوند. حتی امروزه نیز هنوز یک مکتب فکری قوی و تأثیرگذار وجود دارد که معتقد به این است که قرآن قابل ترجمه نیست و ترجمه‌های موجود مشروعیت ندارند (به نقل از بیکر، ۲۰۰۹، ص ۲۲۶).

بسیاری معتقدند اگر قرار است قرآن ترجمه شود، این کار باید توسط مترجمان مسلمان انجام شود. سپس ترجمه‌های قرآن به غیرمسلمان‌ها در خواندن و حفظ قرآن به زبان عربی کمک خواهد کرد (همان). بنابراین بسیاری از ترجمه‌های قرآن در واقع تفسیر معنای قرآن است یا حداقل بر اساس فهم از قرآن است و در نتیجه منجر به یک رویکرد خاص می‌شود؛ بنابراین ترجیح در ترجمه مسلمانان به ترجمه غیرمسلمانان است (همان، ص ۲۲۷).

بنابراین بحث‌های متفاوتی درباره مشروعیت ترجمه قرآن وجود دارد و هریک از صاحب‌نظران نظر متفاوتی دارند. همان‌طور که ابوحنیف، صاحب‌نظر عراقی و نظریه‌پرداز معتقد است: «ترجمه تمامی آیه‌های قرآن به زبان‌های خارجی مشروعیت دارد اما قانونی (الزامی) نیست که همه ترجمه‌ها را در یک جلد قرار دهند؛ مگر اینکه تمامی ترجمه‌ها در کنار متن عربی قرآن قرار گیرد (نقل از پیکتال، ۱۹۳۱، ص ۴۴۲).

از زمان نزول قرآن مساله ترجمه‌پذیری و ترجمه‌ناپذیری قرآن، مساله‌ای چالش‌برانگیز بوده است. بحث‌های زیادی در بین صاحبان‌نظران مذهبی و متخصصان ترجمه وجود دارد که آیا قرآن کریم باید ترجمه شود یا اینکه به همان زبان عربی خوانده شود. بعضی از صاحب‌نظران مانند دکتر منافی (۲۰۰۱) بر این باورند که قرآن کریم از لحاظ زبانی، زبانی والا، فصیح و بی‌همتا است. قرآن کریم دارای ویژگی‌های منحصربه‌فرد و شگفت‌انگیزی است که حتی فصیح‌ترین و برجسته‌ترین خطیب هر دوره نمی‌تواند آن را به چالش بکشد. آن‌ها دلایلی آوردند که قرآن کریم غیرقابل تقلید از لحاظ محتوا و قالب است و ماهیت معجزه‌گونه قرآن کریم از زبان عربی بسیار عالی آن به اثبات رسیده است؛ بنابراین قابل ترجمه با معادل کامل به هیچ زبانی نیست.

طبق نظر منافی (۲۰۰۳، ص ۳۳) قابلیت ترجمه‌پذیری قرآن کریم را می‌توان از دو جنبه بررسی کرد: از نظر زبانی و مذهبی. منافی (۲۰۰۳) معتقد است که: «عوامل زبانی معمولاً به‌عنوان موانع ترجمه در ترجمه شعر شناخته می‌شوند، درحالی‌که در ترجمه کلام الهی، علاوه بر این موانع، یک عامل مذهبی نیز وجود دارد که به ترجمه‌ناپذیری آیات الهی کمک می‌کند و آن «حضور الهی» موجود

در متن اصلی است که بدون شک در ترجمه وجود نخواهد داشت».

منافی (۲۰۰۳، ص ۴۵) می‌گوید: «هیچ ترجمه‌ای از قرآن کریم از نظر مذهبی قداست متن اصلی قرآن را ندارد و به همین دلیل است که برای دستیابی به فضل کتاب الهی لازم است که آن آیات قرآنی که در ادعیه‌های شرعی و سایر دعاها خوانده می‌شود به زبان عربی قرآن خوانده شوند. متن اصلی قرآن مقدس است، نه به دلیل اینکه به زبان عربی است؛ بلکه به این دلیل است که خداوند آن را لفظ به لفظ بیان کرده است و به همین دلیل دارای «حضور الهی» است که قابلیت ترجمه به وسیله واژگان انسانی در ترجمه را ندارد. در نظر او معادل کامل همانند یک اندیشه موهوم است که در ترجمه کلام الله به هیچ عنوان نمی‌توان به آن دست یافت. زیرا او معتقد است که ویژگی‌های الهی قرآن کریم در هر ترجمه‌ای از قرآن از دست می‌رود».

پیکتال (۱۹۹۶) هم که اولین مترجم مسلمان قرآن به زبان انگلیسی است، بیان کرده است: «این کتاب در اینجا تقریباً کاملاً به صورت تحت‌اللفظی ترجمه شده است و تمام تلاش برای انتخاب زبان مناسب انجام شده است: اما نتیجه آن، قرآن مجید نیست، آن سمفونی غیر قابل تقلید، که هر صدای آن مردم را به اشک می‌آورد. این تنها تلاشی برای ارائه معنی قرآن و به احتمال زیاد، جذابیت قرآن به انگلیسی است. این کتاب هرگز نمی‌تواند جایگزین قرآن به زبان عربی شود و قصد چنین کاری را نیز ندارد».

بنابراین به این دلایل، قرآن مجید سخن خداوند است و ترجمه‌های آن چیزی جز تفسیر قرآن نیست. در نتیجه می‌توان دید که عنوان بسیاری از ترجمه‌های قرآن «معنی قرآن مجید» است. پیکتال عنوان «معنی قرآن مجید» و آریبری «تفسیر قرآن» را برگزیده است که همگام با این نظر است. همچنین پرداختن به ساختار منحصر به فرد قرآن هم کاری دشوار است. عبدالرئوف (۲۰۰۱) می‌گوید: «نتیجه فعالیت ترجمه، تنها تفسیری از معنای قرآن است و جایگزینی برای آن نیست. باید تمایزی بین خود قرآن مجید و ترجمه‌های قرآن کریم قائل شویم» (ص ۱۷۹). به عبارت دیگر، فاقی (۲۰۰۴) می‌نویسد: «ویژگی‌های خاص زبان‌شناختی قرآن مجید، چالش‌های اساسی برای مترجمان و نظریه‌های ترجمه ایجاد می‌کند» (ص ۹۳).

عبدالرئوف (۲۰۰۱) می‌گوید که باید بین خود قرآن و ترجمه قرآن تمایز قائل شویم. عبدالرئوف به نقل از موراتا و چتیک^۱ (۱۹۹۵) می‌گوید ترجمه قرآن خود قرآن نیست، بلکه تفسیری از معنای قرآن است. آن‌ها معتقدند که هر ترجمه، نشان‌دهنده فهم مترجم از قرآن است و هر کدام با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند و هیچ کدام آن‌ها قرآن نیستند. عبدالرئوف (۲۰۰۱) همچنین سخن رابینسون (۱۹۹۶) را نقل می‌کند که می‌گوید: «هنگام ترجمه قرآن، بیشتر ویژگی‌های آن از دست می‌رود».

۲-۴. اصطلاحات خاص فرهنگی قرآن کریم

یکی از حوزه‌هایی که فرهنگ خاص خود را دارد، مذهبی است که غالب مردم آن فرهنگ، بدان

مذهب گرایش دارند. جای شکی وجود ندارد که هر مذهب، مفاهیم و ایده‌های مربوط به خود را دارد که در مذاهب دیگر وجود ندارد. در هر زبانی اصطلاحاتی وجود دارد که از طریق آن‌ها این مفاهیم بیان می‌شود. مذهب اسلام از طریق قرآن کریم برای هدایت بشریت ارسال شده است. این اصطلاحات که مختص بافت فرهنگی قرآنی است در این مقاله «اصطلاحات فرهنگی قرآن» نامیده می‌شوند.

با در نظر گرفتن این عناوین، عبدالرئوف (۲۰۰۱) بیان می‌کند: «این مفاهیم وابسته به فرهنگ هستند که در فرهنگ مقصد برای آن‌ها معادل مشخصی وجود ندارد». او همچنین معتقد است که ممکن است برخی از مفاهیم مشترک وجود داشته باشد، اما مطابقت کامل وجود ندارد. برای مثال دو مفهوم (الصلوة-نماز) و (الحج-حج) در دین اسلام و سایر ادیان وجود دارند اما ماهیت این مفاهیم در زبان عربی و سایر زبان‌ها کاملاً متفاوت است.

طبق نظر عبدالرئوف (۲۰۰۱)، دو نوع اصطلاحات خاص فرهنگی قرآن وجود دارد: واژه‌های قبل اسلام و واژه‌های فرهنگی اسلامی. به عنوان مثال هنگامی که خواننده زبان مقصد با واژه فرهنگی مواجه می‌شود که به پدیده‌ی «دختر کشی» در قبل از اسلام اشاره می‌کند و نشان‌دهنده یک خلأ معنایی است، فقط یک پاورقی می‌تواند به خواننده کمک کند تا معنای زیربنایی فرهنگ متن مبدأ را درک کند (عبدالرئوف، ۲۰۰۱). نوع دوم واژه‌های فرهنگی اسلامی مختص زبان قرآن کریم است. اولین مثالی که عبدالرئوف دست می‌دهد واژه (الصیام-روزه) است. روزه اجتناب از خوردن غذا، نوشیدنی، مقاربت جنسی از زمان سحر تا غروب آفتاب به مدت بیست‌ونُه یا سی روز ماه مبارک رمضان است که نهمین ماه از سال قمری است. مثال دیگر واژه «قبله» است؛ مفهومی که در هیچ زبان یا فرهنگ دیگری وجود ندارد. این مفهوم فقط برای مسلمانان آشنا است و جوامع غیرمسلمان چنین واژه‌ای در فرهنگ خود ندارند. بنابراین «قبله» یک مفهوم قرآنی و اسلامی است. قرآن کریم مملو از مواردی است که هریک نشان‌دهنده یک مفهوم خاص اسلامی است که در هیچ زبان دیگری وجود ندارد. این موارد که نقش اساسی در انتقال پیام قرآن کریم ایفا می‌کنند، از لحاظ معنایی چندلایه و غنی هستند که یافتن معادل برای آن‌ها در هر زبان دیگری عملاً غیرممکن است.

۲-۵. ترجمه اصطلاحات خاص فرهنگی قرآن مجید

عبدالرئوف (۲۰۰۱) در مورد ترجمه اصطلاحات خاص فرهنگی قرآن مجید بیان می‌کند: «معنای چنین اصطلاحاتی را باید در قسمت پاورقی، به صورت تفصیلی توضیح داد» (ص ۱۵۰). او مثال‌های زیادی آورده است که مترجمان برای ترجمه این اصطلاحات خاص از پاورقی استفاده کرده‌اند. طبق مثال‌های عبدالرئوف: در ترجمه اسد (۱۹۸۰) برای واژه (الصیام=روزه) از پاورقی استفاده شده است. همچنین در ترجمه پیکتال هم برای واژه (الزکاه=زکات) از پاورقی استفاده شده است. بر اساس دیدگاه عبدالرئوف (۲۰۰۱) تمامی مترجمان قرآن مجید، چه آن‌هایی که توضیحاتی در

حاشیه نوشته‌اند مانند: اسد (۱۹۸۰)، علی (۱۹۸۳)، هیالی و خان (۱۹۸۳) و ... و چه کسانی که ترجمه بدون تفسیر انجام داده‌اند مانند: بل (۱۹۷۳)، پیکتال (۱۹۶۹)، آربری (۱۹۸۰) و ترنر (۱۹۹۷) از راهبرد «اقتباس فرهنگی» استفاده کرده‌اند. به عبارت دیگر مترجمان قرآن مجید واژه (نعجه=گوسفند) را با واژه «خوک» جایگزین نکرده‌اند (ص ۱۵۰). در اقتباس فرهنگی واژه‌های خاص فرهنگی زبان مبدأ با واژه‌هایی در زبان مقصد جایگزین می‌شوند که از لحاظ ارجاع فرهنگی باهم مشترکاتی دارند. برای مثال؛ در ترجمه واژه کریسمس در راهبرد اقتباس فرهنگی می‌توانیم از نوروز استفاده کنیم که هر دو واژه به تعطیلات ابتدای سال نو در هر دو فرهنگ اشاره دارند.

۳. روش‌شناسی

از آنجا که این یک مطالعه توصیفی است، صحت ترجمه‌های انگلیسی قرآن کریم ارزیابی نمی‌شود و تنها تلاش شده به بررسی راهبردهای به کاررفته در ترجمه اصطلاحات خاص فرهنگی قرآن و تعیین بسامد هر راهبرد پرداخته شود. چهارچوب نظری این مطالعه مدل خانم بیکر (۱۹۹۲) است که چندین راهبرد را معرفی می‌کند که مترجمان بزرگ در ترجمه مواردی که در سطح واژگان و بالاتر از آن معادل ندارند استفاده می‌کنند. در طبقه‌بندی بیکر، اصطلاحات خاص فرهنگی اولین مواردی هستند که در سطح واژگان معادل ندارند. اصطلاحات خاص قرآن کریم که مختص فرهنگ قرآن هستند را می‌توانیم از مواردی در نظر بگیریم که معادل ندارند. راهبردهای مطرح‌شده توسط بیکر به شرح زیر هستند:

- ترجمه با استفاده از واژه عام (سرواژه)
 - ترجمه با استفاده از واژه غیر بیانی و خنثی
 - ترجمه با استفاده از جایگزینی فرهنگی
 - ترجمه با استفاده از واژه قرضی همراه با توضیحات
 - ترجمه با استفاده از دگرنویسی و استفاده از واژگان مرتبط
 - ترجمه با استفاده از دگرنویسی و استفاده از واژگان غیر مرتبط
 - ترجمه با حذف
 - ترجمه با شکل
- در اینجا گفتنی است موارد مورد مطالعه در این مقاله به سطح واژگان محدود هستند.

۳-۱. پیکره تحقیق

پیکره تحقیق شامل تعدادی اصطلاحات خاص فرهنگی قرآن همراه با ترجمه آن‌ها توسط پنج مترجم برجسته قرآن است. ترجمه‌ها از بین تعداد زیادی ترجمه‌های قرآن کریم انتخاب شده است. این ترجمه‌های انگلیسی قرآن به این دلیل انتخاب شده‌اند چون مخاطبان زیادی دارند و مشهور هستند. ترجمه اول مربوط به ترجمه قرآن کریم، اثر شاکر (۱۹۸۵) است. ترجمه دوم متعلق به ترجمه

معروف قرآن توسط پیکتال (۱۹۶۹) است. نام اثر او «معنای قرآن کریم» است. ترجمه بعدی به کار گرفته شده در این تحقیق ترجمه یوسف علی (۱۹۷۷) است. ترجمه او یکی از معروف ترین ترجمه های قرآن کریم در جامعه انگلیسی زبان است. ترجمه او شامل یک مقدمه طولانی همراه با متن اصلی قرآن است. ترجمه بعدی متعلق به جان آبربی (۱۹۵۵) پروفیسور مسیحی است. اسم کتاب او «قرآن تفسیر» در واقع یک ترجمه است. این ترجمه یکی از برجسته ترین برگردان های مترجمان غیرمسلمان است که از عربی به انگلیسی ترجمه شد. آخرین ترجمه به کاررفته در این مقاله ترجمه خانم طاهره صفارزاده (۱۹۹۹) با عنوان «ترجمه معنای اساسی قرآن مجید» است. یکی از ویژگی های ترجمه دوزبانه خانم صفارزاده، قرار دادن هر دو ترجمه فارسی و انگلیسی هر آیه، رو به روی هم در هر صفحه است.

۳-۲. ابزارهای استفاده شده

برای جمع آوری داده های تحقیق از دو نرم افزار «جامع التفاسیر» و «طنین وحی» استفاده شده است. این نرم افزارها شامل تمامی سوره های قرآن کریم همراه با ترجمه های آنها به زبان های مختلف دنیا است. برای جستجوی اصطلاحات خاص فرهنگی قرآن کریم در میان آیه ها و ترجمه آنها از این نرم افزارها استفاده شده است.

۳-۳. اقدامات انجام شده

در مقاله حاضر تعداد پنجاه اصطلاح خاص فرهنگی قرآن از سوره های قرآن همراه با ترجمه های آنها از مترجم های ذکر شده در بالا به صورت نمونه استخراج شدند. چون واحد اندازه گیری در مقاله جمله بوده است، اصطلاحات خاص فرهنگی قرآن را همراه با جملاتی که در آنها به کاررفته اند آمده است. بر اساس چهارچوب نظری معرفی شده، راهبردهای به کاررفته در ترجمه اصطلاحات خاص فرهنگی قرآن توسط هر مترجم شناسایی و سپس راهبرد را در کار هر مترجم اندازه گیری نموده و در یک جدول لیست شدند و در ادامه، درصد گیری نیز انجام شد. در نهایت، بسامد کلی هر راهبرد نیز در کار هر مترجم و هم به صورت کلی محاسبه گردید.

۳-۴. آنالیز داده ها

بعد از جمع آوری داده ها، اصطلاحات خاص فرهنگی قرآن و ترجمه های آنها، بر اساس چهارچوب نظری تحقیق بررسی شد. مشخص گردید که برای ترجمه هر یک از اصطلاحات خاص فرهنگی قرآن چه راهبردی به کار رفته است. سپس بسامد راهبرد به کاررفته توسط مترجمان به طور جداگانه محاسبه شد. همچنین، بسامد تمامی راهبردها نیز محاسبه شد. در نهایت، بسامد تمامی راهبردهای به کاررفته توسط مترجمان در جدول نشان داده شد. راهبردها با بیشترین و کمترین بسامد و راهبردهای مابین این دو نیز مشخص شدند.

جدول شماره یک: اصطلاحات خاص فرهنگی قرآن کریم

شماره	اصطلاحات خاص فرهنگی قرآن	شماره	اصطلاحات خاص فرهنگی قرآن
۱	وَأَقْوُوا	۲۶	نَذَرْتُ
۲	يَكْفُرِهِمْ	۲۷	تَوْبَةً
۳	بِالْإِيمَانِ	۲۸	يَتَوَكَّلْ
۴	أَشْرِكُوا	۲۹	مُؤْمِنِينَ
۵	الْحَقِّ	۳۰	كَافِرُونَ
۶	بِالْبَاطِلِ	۳۱	الرُّبُوبِ
۷	بِالْمَعْرُوفِ	۳۲	إِسْرَافًا
۸	الْمُنْكَرِ	۳۳	الْمُضْطَّرِّينَ
۹	فِتْنَةً	۳۴	بِالْقِسْطِ
۱۰	الْغَيْبِ	۳۵	وَلِيِّ
۱۱	نُوحِيهِ	۳۶	نَصِيرِ
۱۲	ظِلْمَتِهِمْ	۳۷	مَسْجِدًا
۱۳	يَذْكُرْ	۳۸	لِتَكْفُرُوا
۱۴	فَضْلٍ	۳۹	بِالصَّبْرِ
۱۵	لِيُفْسِدُوا	۴۰	يَطْمَئِنُّونَ
۱۶	صَدَقَةً	۴۱	فَدْيَةً
۱۷	حُجٍّ	۴۲	الْمَحْبِضِ
۱۸	صَوْمًا	۴۳	شَهِيدًا
۱۹	الصَّلَاةِ	۴۴	النَّفْسَاءِ
۲۰	الرِّكَاتِ	۴۵	قِصَاصِ
۲۱	طُعْمِهِمْ	۴۶	عَاهِدُوا
۲۲	يُنْفِقُونَ	۴۷	تَكَاحًا
۲۳	مُخْلِصِينَ	۴۸	شُعْرًا
۲۴	خَالِلًا	۴۹	مَكْرُوهًا
۲۵	حَرَامٍ	۵۰	قَبْلَةً

۴. مثال‌هایی از آیات قرآنی

«حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ»
 (اعراف: ۱۰۵/۷)

M.H. Shakir

(I am) worthy of not saying anything about Allah except the truth I have come to you indeed with clear proof from your Lord, therefore send with me the children of Israel

Marmaduke Pickthall

Approved upon condition that I speak concerning Allah nothing but the truth. I come unto you) lords of Egypt (with a clear proof from your Lord. So let the Children of Israel go with me.

A. Yusuf Ali



One for whom it is right to say nothing but truth about Allah. Now have I come unto you (people), from your Lord, with a clear (Sign): So let the Children of Israel depart along with me.

شاكر: truth

راهبرد ترجمه: ترجمه با استفاده از واژه عام (سرواژه)

پيكتال: truth

راهبرد ترجمه: ترجمه با استفاده از واژه عام (سرواژه)

يوسف علي: truth

راهبرد ترجمه: ترجمه با استفاده از واژه عام (سرواژه)

«يا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبُسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (آل عمران: ۷۱/۳)

A.J. Arbery:

People of the Book! Why do you confound the truth with vanity, and conceal the truth and that wittingly?

T. Saffarzadeh:

people of the Book! Why do you dress up the Truth with Falsehood and conceal the Truth [Regarding the Prophet hood of Mohammad, S. A] While you know it?

آربري: truth

راهبرد ترجمه: ترجمه با استفاده از واژه عام (سرواژه)

صفارزاده: truth

راهبرد ترجمه: ترجمه با استفاده از واژه عام (سرواژه)

«ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَ هُمْ يَمْكُرُونَ» (يوسف: ۱۰۲/۱۲)

M.H. Shakir

This is of the announcements relating to the unseen (which) We reveal to you) PM (And you were not with them when they resolved upon their affair, and they were devising plans

Marmaduke Pickthall

This is of the tidings of the Unseen which We inspire in thee (Muhammad). Thou wast not present with them when they fixed their plan and they were scheming.

A. Yusuf Ali

Such is not one of the stories of what happened unseen, which we reveal by inspiration unto thee; nor wast thou) present (with them then when they concerted their plans together in the process of weaving their plots.

شاكر: the unseen

راهبرد ترجمه: ترجمه با استفاده از واژه عام (سرواژه)

پيكتال: the unseen

راهبرد ترجمه: ترجمه با استفاده از واژه عام (سرواژه)

يوسف علي: unseen

راهبرد ترجمه: ترجمه با استفاده از واژه عام (سرواژه)

«عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ» (رعد: ۹/۱۳)

A.J. Arbery:

The Knower of the Unseen and the visible, the all great, the All exalted

T. Saffarzadeh:

Allah is the Knower of the Unseen and The Visible; and He is the Supreme Exalted Great:

آربري: the unseen

راهبرد ترجمه: ترجمه با استفاده از واژه عام (سرواژه)

صفارزاده: the unseen

راهبرد ترجمه: ترجمه با استفاده از واژه عام (سرواژه)

۵. نتایج

بسامد هر راهبرد در جدول شماره یک و دو نشان داده شده است. نام هر مترجم در ستون اول آمده است. راهبردها که بر اساس حروف الفبا مرتب شده‌اند. در ردیف دوم قرار دارند. بسامد هر راهبرد که در واقع، بیانگر تعداد راهبرد به کار رفته توسط هر مترجم است در ردیف بعدی قرار دارد.

جدول شماره دو: بسامد راهبردها

مترجمان	راهبردها	الف	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ
شاكر	۲۸	۷	۸	۲	۵	۰	۰	۰	۰
پيكتال	۲۱	۹	۱۰	۱	۹	۰	۰	۰	۰
يوسف علي	۱۹	۷	۹	۱	۱۲	۲	۰	۰	۰
آربري	۲۴	۴	۱۵	۲	۳	۲	۰	۰	۰
صفارزاده	۱۸	۵	۱۳	۴	۱۰	۰	۰	۰	۰
جمع كلي	۱۱۰	۳۲	۵۵	۱۰	۳۹	۴	۰	۰	۰



جدول شماره سه: درصد فراوانی راهبردها

راهبردها مترجمان	الف	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ
شاکر	56%	14%	16%	4%	10%	0%	0%	0%
پیکتل	42%	18%	20%	2%	18%	0%	0%	0%
یوسف علی	38%	14%	18%	2%	24%	4%	0%	0%
آزیری	48%	8%	30%	4%	6%	4%	0%	0%
صفازاده	36%	10%	26%	8%	20%	0%	0%	0%

جدول شماره سه نشان می‌دهد که اولین راهبرد «ترجمه با استفاده از واژه عام» بیشترین بسامد را (۳۶٪ و ۴۸٪ و ۳۸٪ و ۴۲٪ و ۵۶٪) در بین مترجمان قرآن کریم داشته است. دو راهبرد «ترجمه با حذف» و «ترجمه با شکل» با بسامد (۰٪ و ۰٪) را اصلاً مترجمان استفاده نکرده‌اند.

جدول شماره چهار: بسامد کلی راهبردها به درصد

شماره	راهبردهای ترجمه	درصد فراوانی
۱	ترجمه با استفاده از واژه عام (سرواژه)	44%
۲	ترجمه با استفاده از واژه غیر بیانی و خنثی	12.8%
۳	ترجمه با استفاده از جایگزینی فرهنگی	22%
۴	ترجمه با استفاده از واژه فرضی همراه با توضیحات	4%
۵	ترجمه با استفاده از دگرنویسی و استفاده از واژگان مرتبط	15.6%
۶	ترجمه با استفاده از دگرنویسی و استفاده از واژگان غیر مرتبط	1.6%
۷	ترجمه با حذف	0%
۸	ترجمه با شکل	0%

در جدول شماره چهار بسامد کلی هر راهبرد محاسبه شده است و به درصد بیان شده است. راهبردها در ستون دوم قرار دارند و درصد فراوانی آن‌ها نیز در ستون سوم آورده شده است. نتایجی که اولین جدول استخراج شده نشان می‌دهد این است که بیشتر اصطلاحات خاص فرهنگی قرآن با راهبرد اول «ترجمه با استفاده از واژه عام (سرواژه)» با بسامد (۴۴٪) ترجمه شده‌اند. دومین راهبرد استفاده شده «ترجمه با استفاده از جایگزینی فرهنگی» با بسامد ۲۲٪ است. اگر دو راهبردی که اصلاً استفاده نشده‌اند را کنار بگذاریم، ترجمه با استفاده از دگرنویسی و استفاده از واژه‌های غیر مرتبط (۱,۶٪) کمترین راهبرد استفاده شده است.

۶. نتیجه گیری

نتایج حاصل از این تحقیق عبارت‌اند از:
راهبرد ترجمه با استفاده از واژه عام (سرواژه) پربسامدترین راهبرد به کار رفته در ترجمه اصطلاحات خاص

فرهنگی قرآن در کار هر مترجم به صورت جداگانه و هم به صورت کلی در کار همه مترجمان است. راهبرد ترجمه با استفاده از جایگزینی فرهنگی دومین راهبرد به کار رفته در ترجمه اصطلاحات خاص قرآن کریم است.

سایر راهبردهایی که از لحاظ بسامد در بین این دو راهبرد قرار دارند به ترتیب به شرح زیر هستند: ترجمه با دگر نویسی و استفاده از واژه‌های مرتبط، ترجمه با واژه‌های غیر بیانی و خنثی. ترجمه با استفاده از واژه قرضی یا واژه قرضی همراه با توضیحات، و سرانجام ترجمه با دگر نویسی و استفاده از واژه‌های غیر مرتبط.

بسامد و راهبرد «ترجمه با حذف» و «ترجمه با شکل»، صفر بود. به عبارت دیگر مترجمان از این راهبردها اصلاً استفاده نکرده‌اند.

بسیاری از راهبردهای به کار رفته در ترجمه اصطلاحات خاص فرهنگی قرآن توسط مترجمان رویکرد مقصد-مدار داشته‌اند تا رویکرد مبدأ-مدار.

بسیاری از واژه‌های خاص فرهنگی قرآن با واژه‌های عام ترجمه شده‌اند و دیگر اصطلاحات خاص فرهنگی قرآن محسوب نمی‌شوند.

منابع

Abdul-Raof H, 2001. Qur'an translation: Discourse. Texture and exegesis. Great Britain: Curzon press.

Abdul-Raof H, 2005. Cultural aspect in Qur'an translation. in: Lynn long. Translation and religion.

Arberry, A.J. (2005). The Holy Qur'an. Qum. Ansariyan.

Baker M, 1992. In other words, a course book on translation. London and New York: Routledge.

Basset and Lefevre 1990. Translation, history and culture. London and New York: printer.

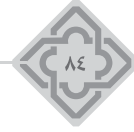
Ivir, v. (1987). Procedure and strategies for the translation of culture specific item, Indian journal of applied linguistic, vol13, No2

Karamanian AP, 2003. Translation and culture. In Translation Journal. January 2002. 6(1).

Katan D, 1999. Translating culture, an introduction for translator. interpreter and mediator. Great Britain: St. Jerome.

Larson ML, 1984. Meaning-based translation: a Guide to cross language equivalence. Lanham. New York and London: university press of America.

Manafi S, 2003. An approach to English translation of Islamic texts (1). Tehran: SAMT.



Manafi S, 2001. Chimerical idea of total equivalence in translating the word Allah. Translation studies. 1(3).

Marieke MK, 2005. Global Marketing and Advertising: understanding cultural paradoxes. 2nd ED. Thousand Oaks. California: Sage publication.

Miremadi A, 1993. Theory of translation and interpretation. Tehran: SAMT.

Newmark, P. (1988). A Textbook of translation, New York and London: prentice Hall.

Pickthall, M.M. (1996). The meaning of the Glorious Qur'an. Dehli:Kitab Bahvavn.

Snell Hornby M, 1990. Linguistic transcoding or cultural transfer?. A critique of translation theory in Germany. In: S. Bassnett and A. Lefevere (Eds,) translation. history and culture. Print Publishers.

Snell-Hornby M, 1988. Translation studies: an integrated approach. Amsterdam: John Benjamin.